



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۸۸۶

دوره ۱۷، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



مطالعه باستان‌شناختی محوطه مراش (۶): شواهدی از استقرار اشکانی در ماه‌نشان زنجان

شقایق هورشید^۱

۱ کارشناس پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران. نویسنده مسئول: Shaghayegh_hourshid@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله:
محوطه باستانی مراش ۶ نخستین بار در سال ۱۳۹۳ در جریان برنامه بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوضه آبگیر سد مراش در شهرستان ماه‌نشان از توابع استان زنجان، شناسایی شد. این محوطه به عنوان یکی از شانزده محوطه باستانی مجموعه مراش توسط کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان شناسایی و بر اساس شواهد سطحی به عصر آهن و نیز دوره اشکانی نسبت داده شده بود. در سال ۱۳۹۸ پس از وقفه‌ای پنج ساله، پژوهش‌های باستان‌شناسی در این منطقه با انجام کاوش نجات‌بخشی در محوطه مراش ۶ توسط نگارنده پیگیری شد. این محوطه با توجه به موقعیت آن نسبت به تراز نرمال دریاچه سد، دوره فرهنگی و امکان دسترسی به آن در فصل زمستان برای کاوش انتخاب شد. در این راستا در مجموع سه ترانше و یک گمانه در این محوطه ایجاد شد که به دنبال آن، بقایای معماری متعلق به دوره اشکانی در سطحی به مساحت حدود ۱۳۱/۵ مترمربع آشکار و مستندنگاری شد. این یافته‌ها شامل چهار فضای معماری ساخته شده از قلوه‌سنگ و ملات گل، کف‌های کوبیده و سنگ فرش شده و دو اجاق بود. همچنین یافته‌های فرهنگی به دست آمده از این محوطه شامل قطعات سفال‌های مصرفی روزمره، ابزارهای سنگی نظیر سنگ‌ساب و هاون و بقایای استخوان‌های حیوانات اهلی است. انتساب این داده‌ها به دوره اشکانی بر پایه مطالعات گونه‌شناختی سفال‌ها و نتایج آزمایش ترمولومینسانس انجام شده بر روی نمونه‌های سفالی به دست آمده از محوطه، تایید شده است.	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ واژگان کلیدی: مراش کاوش نجات‌بخشی باستان‌شناسی اشکانی

* استناد: هورشید، شقایق (۱۴۰۴). مطالعه باستان‌شناختی محوطه مراش (۶): شواهدی از استقرار اشکانی در ماه‌نشان زنجان. پیام باستان‌شناس، ۱۷ (۳۳)، ۶۴-۵۳.

<https://doi.org/10.71794/PEB.2026.1213435>

۱. مقدمه

باستانی از دوره پارینه‌سنگی تا دوره اسلامی شناسایی شد (عبدی‌کیا، ۱۳۹۳). در چنین شرایطی، کاوش مراش ۶ را می‌توان نخستین تلاش روشمند برای مستندسازی و تحلیل ساختارهای فرهنگی اشکانی در این بخش از استان زنجان دانست ضمن پر کردن خلأ مطالعاتی موجود، اطلاعاتی سودمند درباره شیوه‌های زیست و ساختارهای معماری روزمره در دوره اشکانی ارائه می‌دهد.

۲. روش‌شناسی

این پژوهش به شیوه‌ای میدانی و تحلیلی انجام شده است. در مرحله نخست، داده‌های باستان‌شناختی از طریق عملیات کاوش باستان‌شناسی و مستندنگاری دقیق لایه‌ها، اشیاء و ساختارهای مکشوفه گردآوری گردید. ثبت موقعیت‌یابی دقیق یافته‌ها، تصویربرداری و ترسیم پلان‌ها و مقاطع نیز در این مرحله انجام شد. در گام بعدی، داده‌های به دست آمده با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل کمی، دسته‌بندی و با استفاده از رویکرد تحلیل کیفی، تفسیر و مقایسه شدند. تطبیق و مقایسه سفالینه‌های مکشوفه با نمونه‌های مشابه از محوطه‌های هم‌دوره و هم‌جوار نیز به منظور تعیین ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی آن صورت پذیرفت. برای سن‌سنجی نسبی و مطلق یافته‌ها به ویژه سفال از روش آزمایشگاهی ترمولومینسانس^۱ بهره گرفته شد. این سن‌سنجی‌ها امکان برآورد نسبی قدمت لایه‌های فرهنگی و تعیین بازه‌های زمانی استقرار را فراهم ساخت. در مجموع، تلفیق داده‌های میدانی، آزمایشگاهی و تطبیقی، امکان تحلیل جامع‌تری از روند استقرار و ویژگی‌های فرهنگی محوطه مورد مطالعه را میسر ساخت.

۳. عملیات میدانی

در راستای تحقق اهداف پژوهش و با در نظر گرفتن ویژگی‌های محوطه مراش ۶، به ویژه برای پاسخ به پرسش‌های مرتبط با ساختار معماری، در مجموع سه ترانше و یک گمانه آزمایشی در این محوطه گشوده شد. با توجه به

کاوش باستان‌شناسی در حوضه آبگیر سد مراش با هدف نجات‌بخشی و مستندسازی شواهد فرهنگی در معرض نابودی، طی زمستان ۱۳۹۸ انجام شد. این‌گونه کاوش‌ها زمانی ضرورت می‌یابند که آثار تاریخی - فرهنگی در معرض تهدید پروژه‌های عمرانی یا عوامل طبیعی قرار گیرند. محوطه مراش ۶ (Mc6b) یکی از این محوطه‌هاست که در نتیجه احداث سد مراش به طور کامل زیر آب خواهد رفت. بر این اساس، عملیات میدانی با تمرکز بر مستندسازی دقیق بقایای معماری، سفال و دیگر داده‌های فرهنگی و ارائه گاهنگاری نسبی و مطلق، مطابق با اصول کاوش‌های اضطراری صورت پذیرفت. در نتیجه این بررسی‌ها، اطلاعات ارزشمندی درباره استقرار دوره اشکانی در منطقه حاصل شد (هورشید، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹: ۸۹۹-۹۰۴).

با وجود گسترش قلمرو اشکانیان در فلات ایران، بخش عمده‌ای از مطالعات معماری این دوره، بر ساختارهای شاخص، رسمی و وابسته به طبقات بالادست جامعه متمرکز بوده است. از جمله این نمونه‌ها می‌توان به شواهد معماری در نسا، مرو، آی‌خانم، کوه خواجه، قومس، قلعه ضحاک، نوشیجان، قلعه یزدگرد، خورمه، سلوکیه، تیسفون، الحضر و پالمیرا اشاره کرد که غالباً در خارج از مرزهای کنونی ایران قرار دارند (محمدی‌فر، ۱۳۸۷؛ نقی‌پور، ۱۳۹۵؛ سیفی، ۱۳۸۹). در مقابل، شواهد مربوط به سکونتگاه‌های روستایی که نمایانگر سبک زندگی طبقات میانی و فرودست، به ویژه در مناطق حاشیه‌ای، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای نمونه، در کاوش‌های بیستون، با وجود تمرکز بر نقوش برجسته‌شده شواهدی از ساخت و سازهای ساده مسکونی دوره اشکانی نیز شناسایی شد که بر اساس داده‌های سفالی قابل تحلیل بوده‌اند (مترجم، ۱۳۷۹). از سوی دیگر، پژوهش‌های باستان‌شناسی در شهرستان ماه‌نشان نیز محدود بوده‌اند. تنها دو بررسی میدانی شناخته شده در این منطقه شامل بررسی عمومی شهرستان ماه‌نشان به سرپرستی ابوالفضل عالی در سال ۱۳۸۲ (عالی، ۱۳۸۲) و بررسی محدوده سد مراش به سرپرستی لاله عبدی‌کیا در سال ۱۳۹۳ است که طی آن ۱۶ محوطه

¹ Thermoluminescence Dating

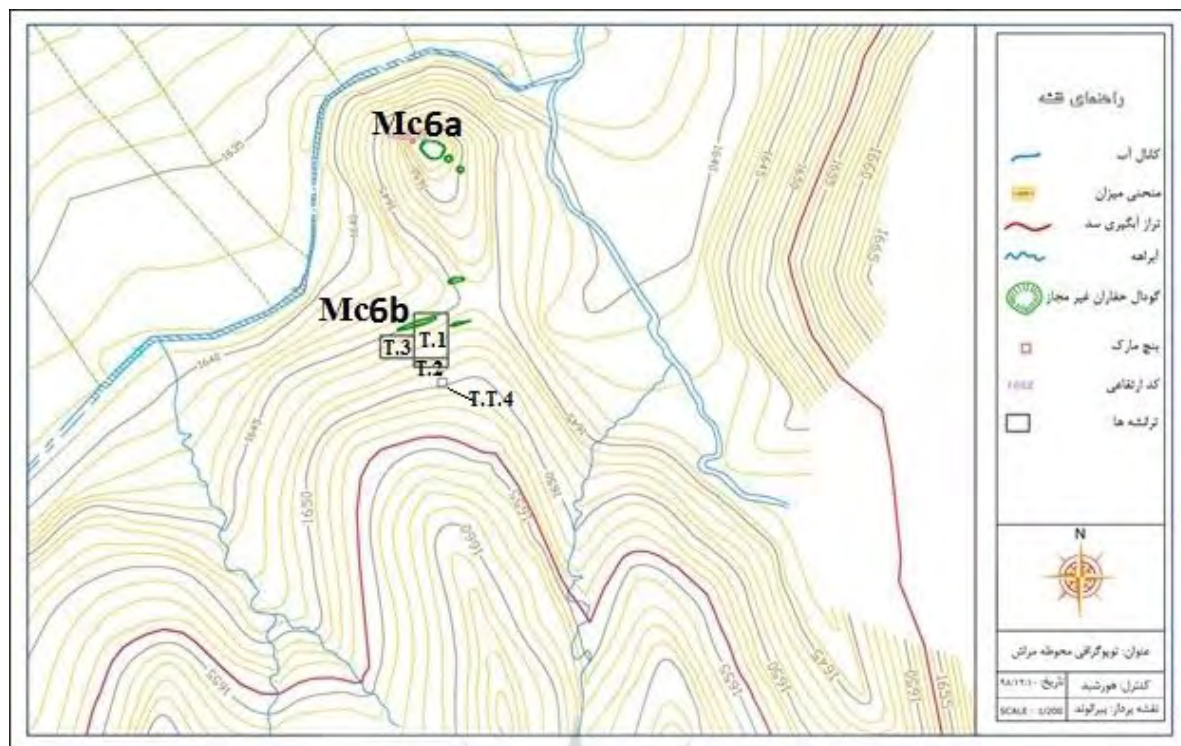
معماری شامل دیوارهای سنگ‌چین و توده‌ای از قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای شد که شواهدی از استقرار دائم را نشان می‌دادند. هیچ‌گونه شواهدی دال بر وجود گور، تدفین یا بقایای انسانی در این ترانشه یافت نشد. با نمایان شدن بقایای معماری، استراتژی کاوش تغییر یافت و تمرکز بر پی‌گردی این ساختارها قرار گرفت. در نهایت مجموع مساحت کاوش‌ها به ۱۳/۵ مترمربع رسید. کاوش در ترانشه‌های ۱ و ۳ به صورت افقی و با هدف شناسایی و مستندسازی بقایای معماری انجام شد در حالی‌که ترانشه ۲ و گمانه ۴ به شکل عمودی برای بررسی توالی نهشته‌ها گشوده شدند.

شواهد سطحی، این محوطه در ابتدا به عنوان گورستان عصر آهن معرفی شده بود به همین دلیل گروه کاوش تصمیم گرفت کارگاهی وسیع با ابعاد ۱۵×۱۰ متر در راستای جهات جغرافیایی اصلی ایجاد کند. انتخاب این محدوده با توجه به شواهدی مانند گودال‌های ناشی از کاوش غیرمجاز، ردیف‌های سنگی سطحی و توپوگرافی منطقه صورت گرفت؛ به گونه‌ای که قسمت اعظم آن در شیب تند دامنه شمالی کوه گرده‌تاج قرار داشت.

در مرحله نخست نیمه شرقی این محدوده با ابعاد ۱۰×۷/۵ متر به عنوان ترانشه شماره ۱ کاوش شد (شکل ۲). کاوش ترانشه ۱ منجر به آشکارسازی بقایای



شکل ۱: موقعیت شهرستان ماه‌نشان و نمای عمومی از محوطه ۶ (Mc6b) در دامنه کوه گرده‌تاج و چاله‌های حفاری غیرمجاز، دید از شمال (نگارنده).



شکل ۲: موقعیت و جانمایی محدوده کاوش شده روی توپوگرافی محوطه مراش ۶ (Mc6b)

رها، ۱۳۸۷). دشت دندی خود از غرب و جنوب غرب به ارتفاعات تخت سلیمان (کوه بلقیس) با ارتفاعی بالغ بر ۳۰۰۰ متر محدود می‌شود. منابع اصلی تأمین آب مخزن سد شامل رودخانه کشکان (کشخان)، ینگجه (کاکا) و حلب هستند. محوطه مراش ۶ در دره رودخانه حلب و در مختصات جغرافیایی $39^{\circ}32'N$ و $48^{\circ}09'N$ و در ارتفاع ۱۶۴۵ متری از سطح دریا قرار دارد. این محوطه در فاصله حدود ۴۰۰ متری جنوب غربی روستای مراش واقع شده و با آب‌گیری سد به طور کامل زیر آب خواهد رفت (شکل ۳).

از منظر باستان‌شناسی، منطقه ماه‌نشان و دهستان انگوران بر اساس تقسیم‌بندی سفالی هرینک، در محدوده منطقه II (غرب ایران) قرار دارند که هم‌مرز با مناطق IV و V در شمال و غرب کشور هستند (Haerinck, 1983:240). با وجود این جایگاه جغرافیایی، تاکنون اطلاعات مستند و دقیقی در خصوص استقرارهای اشکانی در این منطقه منتشر نشده است.

۴. منطقه مورد مطالعه و موقعیت محوطه مراش ۶

منطقه مورد مطالعه در این پژوهش شامل حوضه آبگیر سد در دست ساخت مراش است که در دهستان انگوران از توابع شهرستان ماه‌نشان استان زنجان و در حدود ۱۱۰ کیلومتری غرب شهر زنجان واقع شده است. محل احداث سد در دشت دندی و در ۳۰۰ متری شرق روستای مراش در حدود ۱۰ کیلومتری شهر دندی قرار دارد. سد مراش با ارتفاع ۷۵ متر از سطح پی و گنجایش مخزن ۴۱ متر مکعب، با هدف کنترل روان‌آب‌های سطحی، تأمین آب شرب و صنعتی منطقه دندی و آبیاری اراضی پایین دست، توسط شرکت آب منطقه‌ای زنجان در حال ساخت است. این سد همچنین آب مورد نیاز برای کارخانجات فرآوری سرب و روی و تولید شمش روی کالسمین را فراهم خواهد کرد. این در حالی است که اغلب روان‌آب‌های سطحی منطقه با کیفیت بالا و به صورت سیلاب‌های فصلی در زمستان و اوایل بهار توسط مسیل‌ها از گستره طرح خارج و به رودخانه قزل‌اوزن می‌پیوندند (مهندسين مشاور ارکان



شکل ۴: نمای ساختارها و فضاهای ترانشه ۱ و تکنیک چینن قلوه‌سنگ‌های دیوار (فلش‌های زرد رنگ) (نگارنده)



شکل ۵: نمای بالا از ساختارها، لوکوسها و سه فضای معماری در ترانشه ۱ (نگارنده)



شکل ۶: برش دیواره جنوبی ترانشه ۲ و لایه‌های انباشت شده در پشت بقایای معماری (نگارنده)



شکل ۷: پلان کلی بقایای معماری محوطه مراش ۶



شکل ۸: نمایی از فراز محوطه و بقایای معماری (نگارنده)

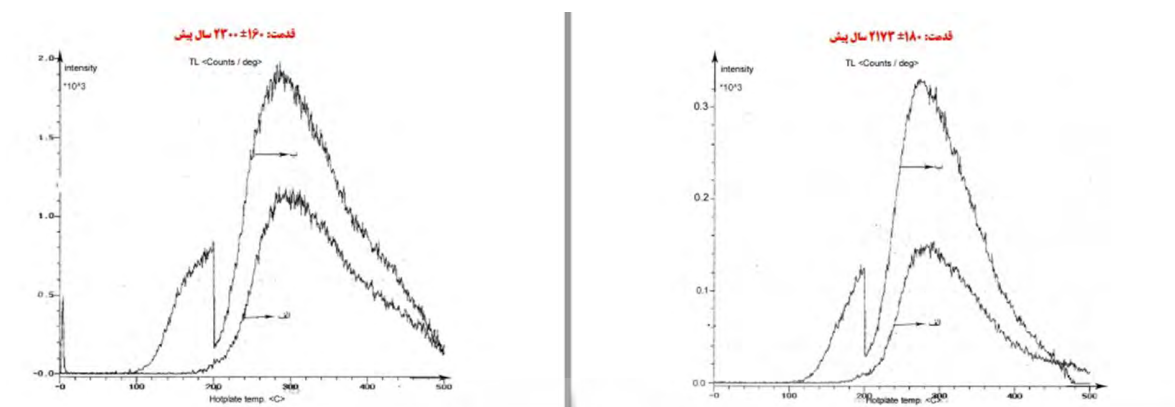
بدون نقش‌اند؛ تنها در موارد معدودی (کمتر از ۱ درصد) سفال‌های منقوش شناسایی شده‌اند که شامل نمونه‌هایی با نقوش کنده و نوارهای رنگی قرمز و قهوه‌ای هستند. این سفال‌ها از نظر سبک و ویژگی‌های تزئینی قابل مقایسه با نمونه‌های اشکانی منطقه آذربایجان شرقی (منطقه IVهرینک) و مربوط به اوایل دوره اشکانی هستند (Hearinck, 1983: 125-127).

از نظر شکل‌شناسی، سفال‌های به دست آمده شامل انواع کاسه، سبو، دیگچه، بشقاب، خمره، قوری، پی‌سوز و ساغر است. بیشترین فراوانی مربوط به کاسه‌ها ۳۱/۱ درصد و سپس سبوها ۱۷/۷ درصد است. فرم‌های مختلف ظروف از نظر قطر دهانه، نوع لبه و کاربرد متمایز شده‌اند. دیگچه‌ها نیز به ویژه با آثار دودزدگی برای پخت و پز مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. ظروف ذخیره (خمره‌ها) در دو نوع بزرگ و کوچک شناسایی شده‌اند و احتمالاً برای نگهداری مواد غذایی و مایعات کاربرد داشته‌اند (شکل‌های ۱۰ تا ۱۲). سبک کلی سفال‌ها، ساده، کاربردی و متناسب با یک

پس از بقایای معماری سفال‌ها مهم‌ترین یافته‌های فرهنگی در محوطه مراش ۶ به شمار می‌روند. در مجموع ۵۳۶ قطعه سفال از این محوطه به دست آمده است. از این میان، حدود ۶۱/۵ درصد سفال‌ها چرخ‌ساز و مابقی دست‌ساز هستند. در بیش از ۹۸ درصد این سفال‌ها، آمیزه اصلی ترکیبات کانی است و تنها در ۶ نمونه آثار اندکی از مواد آلی مشاهده شد. پخت سفال‌ها عمدتاً کامل (حدود ۷۳/۵ درصد) و مابقی ناکافی است. سطح بیرونی ۳۳/۵ درصد سفال‌ها دارای پوشش گلی غلیظ و ۱۳/۶ درصد دارای پوشش رقیق هستند همچنین آثار صیقل روی سطح ۱۵ قطعه قابل مشاهده است. از نظر رنگ، بیشترین فراوانی مربوط به سفال‌های با خمیره قهوه‌ای در طیف‌های مختلف (روشن و تیره) است که ۶۷/۱ درصد کل مجموعه را تشکیل می‌دهد. پس از آن سفال‌های خاکستری با ۲۷/۲ درصد قرار دارند. سایر رنگ‌ها شامل سبز روشن (۲/۸ درصد)، سیاه (۱/۸۶ درصد)، نخودی (۱/۱۱ درصد) و قرمز (۰/۵۵ درصد) هستند. اکثریت سفال‌ها ساده و

همچنین نتایج آزمایش ترمولومینسانس انجام شده بر روی دو نمونه از این سفال‌ها تاریخ‌هایی در حدود ۲۳۰۰ ± ۱۶۰ و ۲۱۷۳ ± ۱۸۰ سال پیش از اکنون را نشان می‌دهد که به روشنی تعلق آن‌ها به دوره اشکانی را تایید می‌کند (شکل ۹) (عظیمی و کاظمی‌دهقی، ۱۳۹۹).

زندگی روستایی است. مطالعات گاهنگاری نشان می‌دهد که این مجموعه سفالی از نظر ویژگی‌های فنی و شکلی با محوطه‌های اشکانی ایران در مناطق غربی (II)، مناطق شمالی (V) و آذربایجان شرقی (IV) (بر اساس تقسیم‌بندی هرینگ) هم‌خوانی دارد (Haerincx, 1983: 121-172).



شکل ۹: نتایج ترمولومینسانس نمونه‌های مراش

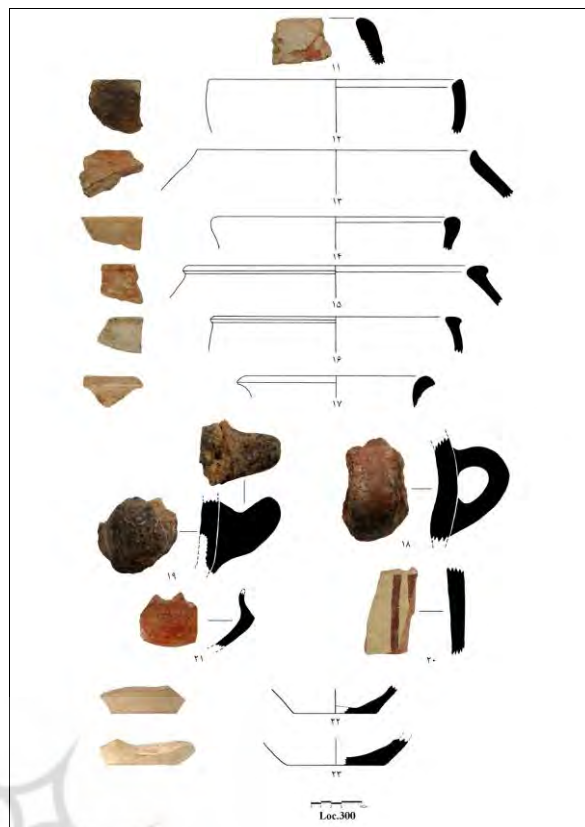


شکل ۱۰: طرح و تصاویر سفال‌های Loc.300

یافته‌ها حاکی از آن است که فعالیت‌هایی چون ذبح، پخت غذا و دفع ضایعات حیوانی در فضای داخلی یا پیرامون خانه صورت می‌گرفته است. همچنین تنوع گونه‌های جانوری، نشانگر دامداری مختلط و معیشت متکی بر بهره‌برداری از حیوانات اهلی در این استقرار روستایی دوره اشکانی است (شکل ۱۳).

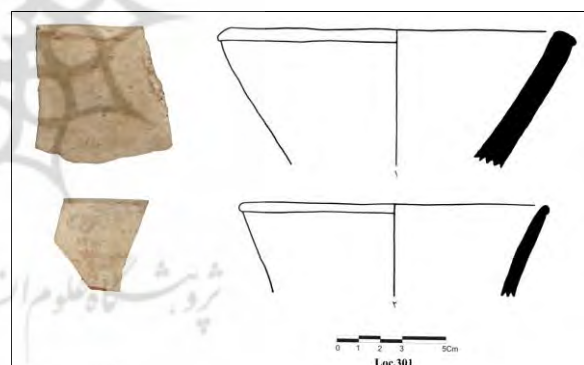


شکل ۱۳: نمونه استخوان‌های جانوری به‌دست آمده از فضای شماره ۳ در ترانشه ۳ (نگارنده)



شکل ۱۱: طرح و تصاویر سفال‌های Loc.300

در کاوش محوطه مراش ۶ سه شیء فرهنگی با ویژگی‌های خاص شناسایی شد که شامل یک مهره تزئینی و دو ابزار سنگی با کاربرد خانگی هستند. شیء نخست یک مهره سوراخ‌دار از جنس خمیر شیشه است که با ارتفاع ۱ س.م و قطر ۱/۲ س.م در لایه آوار فضای معماری شماره ۳ (S.3) در عمق ۱۵۲- س.م یافت شد. این مهره با شماره (SF.2.1) ثبت شده و از نظر جنس و ابعاد، نمونه‌ای متداول در زیورآلات دوره اشکانی به شمار می‌رود (آقاعلی‌گل، ۱۳۹۸). دو شیء دیگر، ابزارهای سنگی با کاربری خانگی هستند که در ترانشه ۲، کشف شدند: اولی یک سنگ‌ساب (شکسته) از جنس ماسه سنگ خاکستری رنگ با ابعاد ۲۰ × ۲۷ س.م. و ضخامت ۷/۵ س.م. است که با شماره (SF.2) ثبت شده است و دومی یک رشته سنگی از جنس سنگ گرانیت به رنگ خاکستری تیره با ابعاد ۱۸ × ۱۰ س.م. و ضخامت آن ۳/۵ س.م است که با شماره ثبتی (SF.3) از ترانشه مذکور بدست آمده است (شکل ۱۴).



شکل ۱۲: طرح و تصاویر سفال‌های Loc.301

در جریان کاوش در محوطه مراش ۶، تعداد ۱۹۳ قطعه استخوان جانوری شناسایی شد که شامل بخش‌هایی از فک، دندان، ستون فقرات، اندام‌های حرکتی و سایر اجزای اسکلتی بودند. این بقایا عمدتاً متعلق به حیوانات اهلی مانند بز، گوسفند، گاو و ماکیان هستند. بیشترین تمرکز این استخوان‌ها در کف فضای معماری شماره ۳، به ویژه در مجاورت اجاق‌ها و همچنین در لایه‌های انباشته در ترانشه ۲ مشاهده شد. وجود استخوان‌های جانوری در کنار اجاق‌ها و ظروف پخت و پز (از جمله دیگچه‌ها) شواهد روشنی از کاربری مسکونی این فضا را ارائه می‌دهد. این

پراکندگی بقایای فرهنگی، اجاق‌ها، سفال‌های مصرفی و استخوان‌های جانوری، همگی نشان‌دهنده الگوی معیشت خانگی و ساختار ساده زیستی در این استقرار است. این یافته‌ها به ویژه از آن رو حائز اهمیت‌اند که تاکنون پژوهش‌های اندکی به بررسی سکونتگاه‌های روستایی در دوره اشکانی اختصاص یافته است. بنابراین، مستندسازی، توصیف و معرفی این محوطه می‌تواند گامی در جهت شناخت بهتر زندگی روزمره دوره اشکانی در شمال غرب ایران به شمار آید.

سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر علیرضا سرداری، مسئول وقت واحد مطالعات میراث فرهنگی، طرح‌های عمرانی و کاوش‌های نجات‌بخشی پژوهش‌شده باستان‌شناسی و از جناب آقای مهندس رضایی و سایر کارکنان شرکت سهامی آب منطقه‌ای استان زنجان، به ویژه جناب آقای مهندس میرمحمدرضایی که با گروه کاوش همکاری صمیمانه‌ای داشتند و نقشه‌ها و اطلاعات مورد نیاز را در اختیار قرار دادند تشکر و قدردانی می‌کنم. همچنین از اعضای تیم کاوش آقایان مسعود بیرانوند، عارف بیگلری و شهراد هورشید که با تلاش خستگی‌ناپذیر خود در سرمای زمستان سبب به ثمر رساندن این پروژه شدند، بسیار سپاسگزارم.

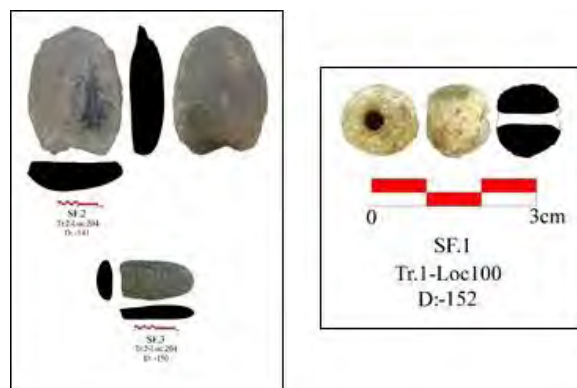
منابع مالی

هزینه این پژوهش توسط پژوهشگاه میراث فرهنگی تأمین شده است.

منابع

آقا علی گل، داود، جعفری زاده، مسلم، رهبر، مهدی، مرادی، محمود (۱۳۹۸). کاربرد روش میکروبیکیسی جهت آنالیز عنصری مهره‌های شیشه‌ای مکشوفه از آرامگاه‌های صالح داود خوزستان: شواهدی از تجارت مصنوعات شیشه‌ای در دوره اشکانی. پژوهش باستان‌سنجی، ۵(۱)، ۱۴۳-۱۶۶.

بطور معمول از این دو ابزار برای خرد کردن و آسیاب کردن مواد غذایی به ویژه گیاهان استفاده می‌شود بنابراین یافته‌های مذکور نشان دهنده کارکرد روزمره این فضاهای مسکونی را در این دوره نشان می‌دهد.



شکل ۱۴: مهره از جنس خمیر شیشیه، یافته ویژه ترانسه ۱ و سنگ ساب (SF.2) و رشته سنگی (SF.3) از یافته‌های ترانسه ۲

۶. نتیجه‌گیری

شواهد معماری به دست آمده از محوطه مراش ۶ گویای وجود یک استقرار روستایی کوچک اما دائمی متعلق به دوره اشکانی است. ساختارهای این محوطه که با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای و ملات گل ساخته شده‌اند در دو فاز معماری قابل تفکیک‌اند: فاز نخست شامل فضاهای ۱ و ۲ با کف‌های گلی و سنگ‌فرش و فاز دوم شامل فضاهای ۳ و ۴ با اجاق‌ها و سازه‌های الحاقی که بر روی انباشت‌های فرهنگی فاز پیشین یا با برش آنها احداث شده‌اند. پلان ساده، نحوه اجرای دیوارها، مصالح بومی و نبود پوشش‌های تزئینی پیچیده همگی موید کاربری مسکونی و روستایی سازه‌های محوطه مراش ۶ است.

از منظر گاهنگاری، یافته‌های سفالی به دست آمده از محوطه، به ویژه بر پایه مقایسه با نمونه‌های مناطق II، IV و V در تقسیم بندی هرینک، به خوبی در چارچوب دوره اشکانی جای می‌گیرند. این تاریخ‌گذاری توسط نتایج آزمایش ترمولومینسانس نیز تقویت شده است. بر این اساس، استقرار در محوطه مراش ۶ احتمالاً در فاصله زمانی حدود ۲۱۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از حالا (معادل دوره میانی تا متأخر اشکانی) صورت گرفته است.

- سیفی، لیلی. (۱۳۸۹). معماری، دوره دوم. کتاب ماه علوم و فناوری، (۱۲۹)، ۷۴ و ۹۵.
- عالی، ابوالفضل (۱۳۸۲). گزارش بررسی و شناسایی شهرستان ماهشان، زنجان (جلد ۱ و ۲). کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی (گزارش منتشر نشده).
- عبدی‌کیا، لاله (۱۳۹۳). گزارش بررسی نجات‌بخشی حوضه آبگیر سد مراش، اداره میراث فرهنگی استان زنجان (منتشر نشده).
- عظیمی، مولود، کاظمی‌دهقی، سمیه (۱۳۹۹). گزارش سالیابی سفال‌های حاصل از کاوش‌های نجات‌بخشی محوطه سد مراش زنجان، پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- مترجم، عباس. (۱۳۷۹). گزارش کاوش بیستون، سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب. (۱۳۸۷). باستان‌شناسی و هنر اشکانی. تهران: سمت.
- مهندسین مشاور ارکان رهاب (۱۳۸۷). طرح مطالعات سد مخزنی مراش شهرستان ماهشان.
- نقی پورفر، خدیجه (۱۳۹۵). بررسی تاریخ معماری در دوران اشکانی. همایش بین‌المللی شرق‌شناسی، فردوسی و فرهنگ و ادب پارسی.
- هورشید، شقایق (۱۳۹۸). گزارش کاوش نجات‌بخشی محوطه ۶ مراش (جن‌دره سی)، کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (گزارش منتشر نشده).
- هورشید، شقایق (۱۳۹۹). گزارش کاوش نجات‌بخشی سد مراش زنجان، محوطه جن‌دره سی، مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی، گردآوری و تدوین روح‌الله شیرازی.
- Haerinck, E. (1983). La céramique en Iran pendant la période parthe (ca. 250 av. J.C. à ca. 225 après J.C.): typologie, chronologie et distribution, *IRANICA ANTIQUA SUPPLEMENT II*.